گزارش یک

زهرا چیذری

دانش هسته‌ای و جمعیت دو بال رشد اقتصادی ایران

توانایی و استفاده از فناوری هسته‌ای و داشتن رشد جمعیت بین ۰/۵ تا ۲/۵ درصد تسهیل و تسریع‌کننده رشد اقتصادی ایران است

«با کنترل جمعیت، رشد اقتصادی کنترل و محدود می‌شود»؛ این را کنت آرو برنده نوبل اقتصاد در سال ۱۹۷۲ گفته‌است. برای متوقف کردن رشد یک کشور اما علاوه بر عامل رشد جمعیت دستیابی به فناوری‌های هسته‌ای هم تعیین‌کننده است. به همین خاطر برنامه‌های غرب درباره ایران حول دو محور می‌چرخد؛ محدودیت در دسترسی به دانش هسته‌ای و کاهش رشد جمعیت! بر اساس علم اقتصاد توانایی و استفاده از فناوری هسته‌ای و داشتن رشد جمعیت بین ۰/۵ تا ۲/۵ درصد تسهیل و تسریع‌کننده رشد اقتصادی هر کشوری است. به همین خاطر هم هست که شاهد تلاش حداکثری برای اعمال محدودیت‌های هسته‌ای بر خلاف قوانین بین‌المللی (معاهده NPT و منشور ملل متعهد) هستیم. ماجرایی که می‌تواند در تصمیم‌گیری برای آینده سیاسی و اقتصادی کشور و تعامل با دنیای غرب بسیار تعیین‌کننده باشد!

صندوق جمعیت سازمان ملل (UNFPA) از سال ۱۹۶۹ تأسیس شد تا به بهداشت باروری در سراسر جهان کمک کند. این صندوق با دولت‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد و مؤسسه‌های خصوصی در ۱۵۰ کشور همکاری می‌کند تا برنامه‌هایی برای آموزش و ارائه خدمات مرتبط با تولیدمثل در آن کشورها اجرا کند. علاوه بر آن، صندوق جمعیت سازمان ملل به آمارگیری منظم از شاخص‌های جمعیتی کشورها نظیر جمعیت فعلی، وضعیت باروری و همچنین نرخ مرگ‌ومیر می‌پردازد. طرح‌های مرتبط با بهداشت باروری و تنظیم خانواده این صندوق نیز در بسیاری از کشورهای توسعه‌نیافته یا درحال توسعه با برنامه‌های کاهش رشد جمعیت همراه است. جالب است بدانید امریکا از تأمین‌کنندگان اصلی بودجه این صندوق و به تبع آن اصلی‌ترین سیاستگذار برنامه‌های صندوق جمعیت سازمان ملل است. بر این اساس شاهد آن هستیم که امریکا طی نیم قرن گذشته از طریق سازمان‌های بین‌المللی به شدت به دنبال کاهش رشد جمعیت و فرزندآوری بوده و این سیاست را بر مبنای اسنادی همچون سند موسوم به هنری کسینجر دنبال و محقق کرده‌است.

■ کاهش تاریخی رشد جمعیت در ایران

در این میان یکی از موفق‌ترین برنامه‌های کاهش جمعیت در کشور ما اجرایی شد به گونه‌ای که ایران با وجود تحریم‌ها و محدودیت‌های دائمی به واسطه موفقیت در کاهش تاریخی رشد جمعیت از صندوق ملل متحد جایزه گرفت و موفق شد وام بانک جهانی را به دست آورد. ماجرا به گونه‌ای رقم خورد که ملیندا گیتس در توئیتی ایران را حائز رکورد کاهش زاد و ولد دنیا «در طول تاریخ» معرفی کرد، اما این تمام ماجرا نیست. دکتر محمد جواد محمودی، عضو هیئت علمی و دانش‌آموخته اقتصاد درباره برنامه‌های اقتصادی امریکا و خط و ربط آن با سیاستگذاری‌هایش درباره کشورمان، با تأکید بر گرایش امریکا در به دست گرفتن بازار مواد خام و کالاها در سطح بین‌المللی اینگونه توضیح می‌دهد: «خاورمیانه بزرگ از گذشته تاکنون به ۲۲ کشور عربی، قبرس، ترکیه، رژیم صهیونیستی، ایران، پاکستان و افغانستان اشاره داشته‌است و در حال حاضر شامل کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا نیز می‌شود. حضور مستقیم یا غیرمستقیم در این منطقه همیشه از اهداف اولیه امریکا بوده‌است و هنوز هم واشنگتن قصد دارد از طریق اقدامات نظامی، سیاسی و اقتصادی منطقه را از طریق رژیم صهیونیستی تحت کنترل خود داشته باشد و منابع آن را به غارت ببرد.»

• تسلط بر بزرگ‌ترین ذخایر نفت جهان

غرب آسیا دارای بزرگ‌ترین ذخایر نفت خام جهان است. طبق گزارش انرژی پرس، ذخایر قطعی نفت خام خاورمیانه در سال ۲۰۲۲ حدود ۸۷۱/۶۱ میلیارد بشکه برآورد شده‌است. این منطقه حدود ۴۸ درصد از ذخایر نفت و ۳۸ درصد از ذخایر گاز جهان را در اختیار دارد.

بنا به تأکید محمودی بر همین اساس هم غربی‌ها به طور مداوم در تلاش هستند تا نفوذ خود را در قسمت‌های غربی آسیا و هند، گسترش دهند. پس از جنگ جهانی اول و سقوط امپراتوری عثمانی، غرب آسیا قربانی استعمار انگلیس و فرانسه شد و هر دو برای گسترش نفوذ و تثبیت سلطه خود بر کشورهایی که از تسلط سلطه عثمانی رها شده‌بودند، به رقابت پرداختند و تا پایان جنگ جهانی دوم، قسمت‌های شرقی آسیا را نیز تسخیر کردند. امریکا برای سیطره بر این منطقه، غارت هر چه بیشتر اقتصاد به ویژه منابع نفتی و سایر انرژی‌های منطقه را در دستور کار خود قرار داده‌است.

طرح امریکا برای تسلط (به تسلیم کشاندن بی‌قید و شرط) بر خاورمیانه بزرگ با نیات توسعه‌طلبانه به چند دلیل که شاید مهم‌ترین آنها «جنبش بهار عربی» در سال ۲۰۱۰ بود و منجر به سقوط بسیاری از حاکمان منطقه شد، به خوبی پیش نرفت، اما بسیاری از کارشناسان هنوز معتقدند واشنگتن طرح خاورمیانه بزرگ برای تکه‌تکه کردن کشورهای منطقه و تغییر رژیم‌های سیاسی آنها را کنار نگذاشته، بلکه این طرح دچار فراز و فرودهایی شده‌است. همچنین اجرای طرح توسعه‌طلبانه و تجاوزکارانه برای چیزی که «اسرائیل بزرگ از نیل تا فرات» نامیده می‌شود، در این راستا ارزیابی می‌شود.

■ جمعیت و دانش هسته‌ای تسهیل‌کننده رشد اقتصادی

هر چند طرح امریکا برای تکه‌تکه کردن کشورمان موفقیت‌آمیز نبود، اما در حوزه کاهش رشد جمعیت و همچنین تلاش برای عدم‌دستیابی ایران به دانش هسته‌ای گویا چندان هم ناموفق نبوده‌است!

آنطور که محمودی توضیح می‌دهد، علت اصلی مخالفت امریکا با ایران، توانایی‌های بالقوه و بالفعل ایران برای تبدیل‌شدن به یک قدرت اقتصادی و سیاسی در سطح منطقه است. بر مبنای نظریه سیمون کوزنتس جلوگیری از رشد اقتصادی ایران و دیگر کشورهای ثروتمند کشورهای آسیای غربی باید یکی از اهداف اولیه کشور امریکا باشد.

طبق تأکید این اقتصاددان، توانایی و استفاده از فناوری هسته‌ای و داشتن رشد جمعیت بین ۰/۵ تا ۲/۵ درصد تسهیل و تسریع‌کننده رشد اقتصادی هر کشوری است. بر این اساس تلاش حداکثری برای اعمال محدودیت‌های هسته‌ای بر خلاف قوانین بین‌المللی (معاهده NPT و منشور ملل متعهد) که به تحریم‌های بین‌المللی و یک جانبه و تحمیل جنگ دیگر نیز منجر شده‌است، در راستای جلوگیری از رشد اقتصادی ایران تحلیل می‌شود. از سوی دیگر سیمون کوزنتس، اقتصاددان امریکایی و برنده جایزه نوبل اقتصاد رشد جمعیت در ۲۰۰ سال اخیر کشورهای توسعه‌یافته را عامل مثبتی در رشد اقتصادی آنها می‌داند. همچنین کنت آرو، برنده نوبل اقتصاد در سال ۱۹۷۲ اعتقاد دارد با کنترل جمعیت، رشد اقتصادی کنترل و محدود می‌شود.

وی تصریح می‌کند: «سال‌ها اقتصاد کشور به امید سرمایه‌گذاری غربی‌ها تعطیل شد. آخر مشخص شد که مسئله آنها اصلاً هسته‌ای، تروریسم، حقوق بشر، دموکراسی، مسئله زن و مسائل مشابه نیست. مسئله آنها ایران است. با ایران دارای اقتصاد در حال رشد، مستقل و قوی مشکل دارند. امریکا نشان داد که برای حفظ سلطه جهانی خودش و جلوگیری از فروپاشی اقتصادی که از نظر کارل مارکس اجتناب‌ناپذیر است، ناچار به استثمار و تسلط حداکثری کشورها و ارتکاب هرگونه جرم و جنایتی است.»

■ ایران همچنان در سیاست‌های کاهش رشد جمعیت

محمودی بار دیگر به اهمیت موضوع جمعیت باز می‌گردد و می‌گوید: «سیمون کوزنتس در بخشی دیگر از کتاب خود رشد جمعیت در ۲۰۰ سال اخیر کشورهای توسعه‌یافته را عامل مثبتی در رشد اقتصادی آنها به حساب آورده‌است. وی همچنین مطرح کرده‌است: همبستگی معناداری بین «جمعیت بالاتر» و «درآمد سرانه پایین‌تر» وجود ندارد.

همچنین کنت آرو، برنده نوبل اقتصاد در سال ۱۹۷۲ اعتقاد دارد با کنترل جمعیت، رشد اقتصادی کنترل و محدود می‌شود. در این اثنی امریکا از طریق سازمان‌های بین‌المللی به شدت به دنبال کاهش رشد جمعیت و فرزندآوری بوده‌است، به نحوی که نرخ باروری در ایران از ۶/۵ فرزند به ازای هر زن در دهه ۶۰ به حدود ۱/۵ فرزند در حال حاضر رسیده‌است که در تاریخ ایران بی‌سابقه است.» جالب اینجاست که به گفته این عضو هیئت علمی وزارت علوم، دانشگاه استنفورد با استفاده و برمبنای تحقیقات به ظاهر علمی سفارشی در داخل توصیه اکید کرده‌است که در پیش گرفتن سیاست‌های افزایش فرزندآوری برای ایران فعلاً زود است و کماکان ایران باید سیاست‌های کنترل جمعیت را در پیش بگیرد. در بخش جمعیت گزارش «ایران ۲۰۴۰ دانشگاه استنفورد» آمده‌است: تصمیم برای اجرای یک سیاست پروناتالیستی (سیاست‌های افزایش جمعیت) زودرس به نظر می‌رسد.

■ نسل کشی با سیاست‌های کنترل جمعیت و رشد اقتصادی

محمودی با اشاره به اظهارات لوئیس آل دی، تاریخ نگار و نویسنده مشهور انگلیسی تأکید می‌کند: «این نویسنده انگلیسی در توئیتی اظهار می‌دارد: غرب شرور و وحشی کاملاً متعهد به نسل کشی و توسعه‌زدایی (محدود شدن رشد اقتصادی به کشورهای خاص) از هر کشوری است که با هژمونی آن مخالف است: توسعه‌زدایی منطبق با نظریه سیمون کوزنتس- محدود شدن رشد اقتصادی به کشورهای خاص و نسل کشی منطبق با سیاست‌های کنترل جمعیت و کنترل رشد اقتصادی است.»

این دانش‌آموخته اقتصاد معتقد است مذاکره‌کنندگان محترم با امریکا این موضوع را باید مدنظر داشته‌باشند، تأمین منافع حیاتی اقتصادی امریکا، به صورت اجتناب‌ناپذیر از طریق افزایش بهره‌وری عوامل تولید به خصوص نیروی کار، تحول ساختار اقتصادی و اجتماعی (تغییر رژیم ایران یا تغییر رفتار ایران توسط یک جنبش اصلاح‌طلبانه از درون نظام)، گرایش در به دست گرفتن بازار مواد خام و کالاها در سطح بین‌المللی و محدود شدن رشد اقتصادی به کشورهای خاص تأمین می‌گردد. در صورت عدم تحقق شروط بالا، اقتصاد امریکا در خطر فروپاشی کامل قرار خواهد گرفت، بنابراین در صورتی که امریکا تغییر پارادایم ندهد، که نمی‌دهد، به هیچ‌وجه امکان حصول نتیجه برد - برد در مذاکرات وجود ندارد. تغییر پارادایم ما در حال حاضر به صورت اجتناب‌ناپذیر منجر به تأمین منافع حیاتی امریکا خواهد شد.

گزارش ۲

مهسا گربندی

رژه روباه‌ها وسط پایتخت

یکتانیک در گفت‌وگو با «جوان»: برخی جانوران مثل روباه و سمور، اساساً زندگی در شهر را ترجیح می‌دهند این به معنای نابودی زیستگاه طبیعی‌شان نیست، بلکه بخشی از سازگاری طبیعی‌شان است

شاید تصورش برای بسیاری عجیب باشد، اما روباه‌هایی که روزگاری در حاشیه‌های جنگل‌ها و تپه‌های اطراف پایتخت زندگی می‌کردند، حالا پا به خیابان‌ها، پارک‌ها و حتی پشت‌بام‌های ساختمان‌های پرجمعیت تهران گذاشته‌اند. از میدان هفت‌تیر تا کوچه‌های خلوت، این میهمانان ناخوانده و البته جدید شهر، آرام به دنبال غذا هستند. جانورانی که البته موجب نگرانی ساکنان تهران نیز شده‌اند.

طی ماه‌های اخیر، حضور روباه‌ها در تهران به طور چشمگیری افزایش یافته‌است. گزارش‌های مردمی از نقاط مختلف شهر تهران، از میدان‌های مرکزی گرفته تا محله‌های مسکونی، به همراه تصاویر و فیلم‌هایی که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده، گواه این تغییر اساسی هستند. روباه‌هایی که شب‌ها به دنبال شکار موش‌ها و جوندگان شهری هستند، با رفتاری محتاطانه و معمولاً دور از چشم انسان‌ها، در حال همزیستی با شهروندان هستند!

■ روباه‌هایی در جست‌وجوی همزیستی

البته حضور روباه‌ها در اطراف تهران موضوع تازه‌ای نیست. سال‌هاست که ساکنان حاشیه‌های غربی و شمالی شهر گهگاه با این حیوانات روبه‌رو شده‌اند. بر خلاف تصور عمومی، برخی حیوانات وحشی نه از سر اجبار، بلکه با انتخاب خود در شهرها زندگی می‌کنند. این را محمدعلی یکتانیک، کارشناس حیات‌وحش به «جوان» می‌گوید: «در سراسر جهان، گونه‌هایی مثل راکون، سنجاب، سمور و حتی کوگر یا شیر کوهی، در شهرها زندگی می‌کنند. به این پدیده می‌گویند حیات‌وحش شهری (Urban Wildlife). روباه هم یکی از آنهاست.» به گفته این کارشناس، برخلاف گونه‌هایی مانند گرگ، پلنگ یا خرس که ورودشان به محدوده شهری نشانه‌ای از تخریب شدید زیستگاه‌ها و کمبود منابع غذایی است، در مورد روباه و شغال موضوع فرق می‌کند: «برخی جانوران مثل روباه، سمور یا حتی برخی پرندگان، اساساً زندگی در شهر را ترجیح می‌دهند. این به معنای نابودی زیستگاه طبیعی‌شان نیست، بلکه بخشی از سازگاری طبیعی‌شان است. آنها سال‌ها پیش در کنام‌های داخل یا اطراف تهران زندگی می‌کردند و حالا که جمعیت سگ‌های ولگرد کاهش پیدا کرده، توانسته‌اند به این محیط‌ها برگردند.»

■ از شکار موش تا سکونت در پشت‌بام

با وجود ظاهر دلنشین و رفتار محتاط، حضور روباه‌ها در شهر ممکن است پرسش‌هایی درباره امنیت، بهداشت یا مزاحمت ایجاد کند، اما یکتانیک در پاسخ می‌گوید: «ما طی سال‌ها کار میدانی، مورد مستندی از مزاحمت یا خطرآفرینی روباه‌ها برای شهروندان نداشتیم. این حیوانات عمدتاً شب‌فعال هستند، روزها در لانه یا محل استراحت می‌مانند و شب‌ها برای یافتن غذا حرکت می‌کنند. واقعاً هیچ ضرورتی ندارد که از دیدن آنها نگران باشیم.»

او حتی معتقد است این گونه‌ها می‌توانند نقش مفیدی در اکوسیستم شهری داشته باشند: «روباه‌ها شکارچی طبیعی موش‌ها و جوندگان کوچک هستند. حضورشان به کنترل جمعیت آفات شهری کمک می‌کند. نباید آنها را تهدید ببینیم، بلکه می‌توانیم این موجودات را بخشی از چرخه طبیعی شهر بدانیم.»

با افزایش گزارش‌ها از مشاهده روباه‌ها در محله‌های مسکونی، توجه‌ها به مسئولیت نهادهایی مانند سازمان حفاظت محیط‌زیست و شهرداری تهران جلب شده‌است، اما راه‌حل، حذف یا جابه‌جایی فوری این حیوانات نیست. یکتانیک تأکید می‌کند: «هیچ نیازی به دخالت شهرداری یا آتش‌نشانی نیست، مگر در شرایط خاص مثل گیر افتادن یا مجروح شدن حیوان.

حضور روباه در حیاط خانه یا پشت‌بام یک ساختمان نیمه‌کاره، تا زمانی که رفتاری تهاجمی یا غیرطبیعی نداشته باشد، نباید موجب نگرانی باشد.»

■ کلید تعادل شهری در دست شهروندان

تجربه شهرهای دیگر جهان نشان داده که تعامل صحیح مردم با حیات‌وحش شهری، کلید اصلی در کاهش تنش‌هاست. در همین راستا، نقش شهروندان ایرانی نیز حیاتی است، اینکه از غذا دادن به روباه‌ها پرهیز و از تماس فیزیکی یا تعقیب حیوان خودداری کنند.

به گفته یکتانیک، بسیاری از تماس‌هایی که با گروه‌های امداد حیات‌وحش گرفته می‌شود، صرفاً ناشی از نگرانی بی‌دلیل مردم از دیدن این حیوانات است: «هیچ جای نگرانی نیست. اگر شهروندان از دیدن روباه‌ها لذت ببرند و به‌درستی رفتار کنند، شهر می‌تواند به محیطی مشترک برای انسان و حیات‌وحش تبدیل شود.»

■ از بدنامی تا سازگاری علمی

حدود سه سال پیش، افزایش چشمگیر تعداد روباه‌ها در شهر لندن موجب شد دانشمندان انگلیسی تحقیقات گسترده‌تری درباره این گونه انجام دهند. پروفسور داون اسکات، رئیس دانشکده علوم حیوانات دانشگاه ناتینگهام ترنت می‌گوید افزایش روباه‌ها در محیط شهری به بروز تعارض‌هایی با گربه‌ها منجر شده که در بیشتر موارد گربه‌ها برنده این رقابت بوده‌اند. اسکات معتقد است روباه‌ها به دلیل تصویر منفی‌ای که در فرهنگ عامه و داستان‌های کودکانه از آنها ساخته شده، به اشتباه جانوران موذی و خطرناک شناخته می‌شوند؛ در حالی که آنها گونه‌هایی شگفت‌انگیز و سازگار با محیط شهری هستند. تحقیقات نشان می‌دهد جمعیت روباه‌ها در لندن از دهه ۱۹۸۰ وجود داشته اما زندگی مدرن شهری و منابع غذایی فراوان، باعث شده این حیوانات بیشتر دیده شوند و تعامل بیشتری با انسان‌ها داشته باشند.

بحث‌های فراوانی درباره غذا دادن به روباه‌ها در جامعه انگلیس وجود دارد؛ برخی معتقدند این کار به زیان روباه‌هاست و باعث وابستگی آنها به انسان می‌شود. همچنین تغذیه نادرست با غذاهای پرچرب و ناسالم می‌تواند به سلامت آنها آسیب بزند و رفتارهای طبیعی‌شان را تغییر دهد. محققان بر این نکته تأکید دارند که روباه‌های شهری به مرور زمان حتی تغییرات فیزیولوژیکی پیدا کرده‌اند که نشان‌دهنده سازگاری آنها با محیط جدید است.

■ آزمونی برای سیاست شهری نوین

حضور روباه‌ها در شهر تهران، نمایانگر یک روند پیچیده از تعامل بین زیستگاه‌های طبیعی و محیط شهری است که نیازمند درک علمی و رویکردی کارشناسانه است. این حیوانات بخشی از اکوسیستم جدیدی هستند که در حال شکل‌گیری در محدوده شهری است.

از این‌رو، مدیریت حضور آنها نباید بر پایه واکنش‌های احساسی یا اقدامات ضربتی باشد، بلکه باید مبتنی بر مطالعه دقیق رفتار و نیازهای زیستی این گونه‌ها و همچنین آموزش و مشارکت جامعه محلی شکل گیرد. کنترل هوشمندانه منابع غذایی و پسماند، ایجاد مناطق زیستگاه امن در حاشیه شهر و اطلاع‌رسانی شفاف به شهروندان می‌تواند ضمن حفظ تعادل اکولوژیکی، از بروز تنش‌های احتمالی پیشگیری کند. بدون شک همزیستی با حیات‌وحش شهری نیازمند تغییر نگاه و رویکرد است؛ از یک سو، باید خطرات واقعی و احتمالی بررسی و مدیریت شود و از سوی دیگر، نقش مثبت این گونه‌ها در اکوسیستم شهری نادیده گرفته‌نشود. تنها با رویکردی متوازن و علمی است که می‌توان هم سلامت شهروندان را تضمین و هم جمعیت روباه‌ها را حفظ کرد.

ویژه

به مناسبت میلاد پیامبر اعظم(ص) و امام جعفر صادق(ع) انجام شد

موافقت رهبر انقلاب با عفو و تخفیف مجازات محکومان دادگاه‌ها

همزمان با سالروز میلاد حضرت محمد مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و حضرت امام صادق علیه‌السلام، رهبر انقلاب اسلامی با درخواست رئیس قوه قضائیه برای عفو و تخفیف مجازات جمعی از محکومان دادگاه‌ها موافقت کردند.

در نامه حجت‌الاسلام والمسلمین اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه درخواست عفو و تخفیف مجازات برای محکومان دادگاه‌های عمومی و انقلاب، سازمان قضایی نیروهای مسلح و سازمان تعزیرات حکومتی که محکومیت آنها تا ۱۹ شهریور قطعیت می‌یابد، درخواست شده‌است.

در نامه رئیس قوه قضائیه برای عفو و تخفیف مجازات درباره محکومان جرائم امنیتی آمده‌است؛ باید از زمان قطعیت حکم این افراد بیش از پنج سال گذشته و به عللی تاکنون اجرا نشده‌باشد، مشروط بر اینکه از زمان قطعیت دادنامه فاقد هرگونه موضع‌گیری مخالف مصالح کشور و اقدام ضد امنیتی یا اقدامات ضد انسجام ملی و معارضه‌آمیز باشند.

بر اساس نامه رئیس قوه قضائیه، باقیمانده حبس بیماران صعب‌العلاج یا لاعلاج نیز مشمول این عفو می‌شود، مشروط بر اینکه بیماری آنان به تأیید کمیسیون پزشکی قانونی رسیده باشد. بخشی از این عفو و تخفیف مجازات در مورد محکومان جزای نقدی است که جزئیات آن در نامه رئیس قوه قضائیه آمده‌است.

«سرقت مسلحانه یا مقرون به آزار یا سارقینی که دارای محکومیت کیفری هستند»، «جرائم مربوط به مواد مخدر و روانگردان به صورت مسلحانه»، «خرید و فروش و قاچاق سلاح گرم جنگی و مهمات»، «جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی»، «جاسوسی و همکاری با دول متخاصم و عضویت در گروه‌های تروریستی»، «آدم‌ربایی، اسیدپاشی، جعل اسکناس و ضرب سکه تقلبی»، «مباشرت یا معاونت در اخلال عمده یا کلان در نظام اقتصادی» و «قاچاق مشروبات الکلی» از جمله جرائمی هستند که از این عفو و تخفیف مجازات مستثنی شده‌اند.

طریق علی(ع)

مهدی مولایی

شاید برای شما هم اتفاق بیفتد!

حادثه اخیر تجاوز آشکار رژیم صهیونیستی به حریم و تمامیت ارضی قطر، یک‌بار دیگر نشان داد که آتش فتنه اسرائیل، تنها محدود به مرزهای فلسطین اشغالی نیست. این حمله نه‌تنها نقض آشکار قواعد و قوانین بین‌المللی و حاکمیت ملی یک کشور مستقل است، بلکه پرده از حقیقتی قدیمی برداشت؛ صهیونیسم جهانی برای بقای خود ناچار است همواره به جنگ و تجاوز متوسل شود.

این نخستین‌بار نیست که «باند تبهکار صهیونی» دست به چنین جسارتی می‌زند. مدت‌هاست که آسمان و خاک سوریه زیر بمباران‌های پی‌درپی رژیم قرار دارد؛ لبنان بارها طعم موشک‌باران‌های کور تل‌آویو را چشیده است؛ فلسطین، زخمی‌ترین نقطه نقشه جهان اسلام، همچنان هر روز قربانی تجاوزات این رژیم غاصب است. و ایران نیز در نبردی ۱۲ روزه با بیش از هزار شهید، به مصاف آتش جنگ‌افروزی رژیم رفته‌است. امروز اما، دامنه این تجاوز به کشوری چون قطر رسیده‌است؛ کشوری که هیچ نسبتی با درگیری‌های مستقیم نظامی ندارد و همین امر هشداری آشکار برای همه حاکمان منطقه است: هیچ کشوری از شر آتش اسرائیل در امان نخواهد بود.

جمهوری اسلامی و در رأس آن، رهبر معظم انقلاب اسلامی بارها و بارها هشدار داده‌اند که رژیم صهیونیستی «غده سرطانی» است و در صورت عدم مقابله و جلوگیری از پیشروی و بربریت آن، تمام منطقه را آلوده خواهد کرد. امروز، با گسترش شعاع تجاوزات این رژیم، سخن ایشان بیش از پیش مصداق می‌یابد. سردمداران و زمامداران رژیم جنایتکار و منحوس صهیونیستی، هر روزی که پاسخ قاطع و سیلی محکمی از کشورهای مسلمان منطقه دریافت نمی‌کنند قدمی پیش‌تر نهاده و خیال خام نیل تا فرات را برای خود محقق‌تر می‌بینند.

در چنین بزنگاهی، بازخوانی کلام امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام معنایی دوچندان می‌یابد. حضرت در خطبه ۲۷ نهج‌البلاغه فرمودند: «به خدا سوگند! مردمی که در خانه خود مورد هجوم قرار گیرند و دشمن بر آنان مسلط گردد، ذلیل خواهند شد.»

این هشدار مهم علوی، امروز خطاب به همه کشورهای منطقه است. اگر حاکمان مسلمان، هجوم اسرائیل به فلسطین، سوریه، لبنان، ایران و اکنون قطر را بی‌پاسخ بگذارند، فردا شعله‌های جنگ بر دروازه‌های شهرهای خودشان خواهد نشست.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام در کلامی دیگر، از سرانجام سازش با باطل پرده برداشت: «کسی که در برابر ظلم سکوت کند، شریک ستمکار است.»

این فراز باید آیینه‌ای باشد در برابر دیدگان زمامداران عرب و مسلمان. سکوت در برابر تجاوز اسرائیل، معنایی جز شراکت در جنایت ندارد. آنان که امروز به امید معامله و همزیستی با تل‌آویو دست دوستی دراز کرده‌اند و خواب «صلح آبراهام» می‌بینند باید بدانند که فردا همین دست‌ها به خون ملت‌هایشان آلوده خواهد شد.

حمله به قطر نشان داد که اسرائیل نه اهل گفت‌وگوست و نه به هیچ قاعده حقوقی و حتی انسانی در برابر کشورهای منفعل و بی‌خطر پایبند است. آنان که به امید دلارهای نفتی یا امنیتی خیالی، دست در دست صهیونیسم گذاشته‌اند، باید حقیقت را دریابند: رژیم اشغالگر در پی بلعیدن همه منطقه است. سکوت و انفعال در برابر چنین هیولایی، همان است که امام علی علیه‌السلام از آن به «ذلت» تعبیر کرد.

امروز بیش از هر زمان دیگر روشن است که راه نجات منطقه، مقاومت است. این همان حقیقتی است که رهبر انقلاب بارها بر آن تأکید کرده‌اند: تنها راه در برابر استکبار، مقاومت بی‌امان است! تجربه لبنان، غزه و نبرد ۱۲ روزه نشان داد که ارتش شکست‌ناپذیر اسرائیل افسانه‌ای بیش نیست. اگر ملت‌های منطقه متحد شوند، این غده سرطانی پیش از آنکه منطقه را به آتش بکشد، از درون خواهد پوسید.

اما مسئولیت بزرگ بر دوش دولت‌ها و حکام و نخبگان سیاسی است. امروز وقت آن است که حاکمان منطقه از خواب غفلت بیدار شوند. تاریخ بارها نشان داده که بی‌تفاوتی در برابر ظلم، سرانجامی جز نابودی ندارد. همان‌گونه که امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمودند: «اگر حق را یاری نکنید، باطل شما را در هم خواهد شکست.»

اکنون زمان تصمیم است؛ یا در کنار ملت‌های مظلوم بایستید و در خط مقاومت نقش ایفا کنید، یا آماده باشید تا فردا قربانی جدید تجاوز صهیونیسم شوید.

حمله به قطر نه یک حادثه گذرا، بلکه زنگ خطری برای همه جهان است. این آتش اگر مهار نشود به زودی منطقه و حتی جهان را فرا خواهد گرفت. امروز مسئولیت سنگین بر عهده همه آزادگان جهان است که دست در دست یکدیگر بگذارند و پیش از آنکه دیر شود، شعله‌های فتنه را خاموش کنند. رژیم صهیونیستی در حال دویدن به سوی سرنوشت محتوم خویش است؛ سرنوشتی که وعده الهی، آن را قطعی ساخته‌است. آینده نه در دستان صهیونیسم، بلکه در اراده ملت‌هاست. این حقیقتی است که باید آن را به گوش جهانیان رساند: ستم پایدار نمی‌ماند و غاصب دیر یا زود در آتش ظلم خویش خواهد سوخت.